

بررسی همسان همسری در بین زوجین تهرانی و تأثیر آن بر رضایت‌مندی

از زندگی زناشویی

عذرا آزادیان^۱ و سروش فتاحی^{*۲}

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی همسان همسری در بین زوجین تهرانی (ساکن در مناطق ۳ و ۲) و تأثیر آن بر رضایت‌مندی از زندگی زناشویی است. چارچوب نظری پژوهش از نظریه همسان‌همسری گرفته شده و برمبنای آن گزاره نویسی و فرضیه‌ها اخذ شده‌است. روش مورد استفاده پیمایش و ابزار پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته است که با تعیین حجم نمونه ۴۰۰ نفری با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، داده‌ها و داده‌های لازم گردآوری و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان همسانی سنی و ۸۲/۸ درصد همسانی قومیتی داشته‌اند. ۴۱/۳ درصد از پاسخگویان رشته تحصیلی همانند، ۱۵/۵ درصد شغلی همانند و ۳۶/۳ درصد سطح درآمدی همانند سطح درآمد همسر خود داشته‌اند و هم‌چنین، ۵۲/۸ درصد از پاسخگویان سطح تحصیلاتی دقیقاً همانند سطح تحصیلات همسر خود داشته‌اند و اگر سطوح تحصیلی نزدیک به هم را نیز همسان تحصیل در نظر بگیریم، آنگاه ۸۰/۸ درصد از زوجین، همسان تحصیل بوده‌اند. نتایج حاکی از این است که رابطه بین متغیرهای همسانی سن، تحصیل، شغل و سطح درآمد با رضایت از زندگی زناشویی معنادار است، اما وجود رابطه معنادار بین متغیرهای همسانی قومیتی و همسانی رشته تحصیلی با رضایت‌مندی زناشویی تأیید نشد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که متغیرهای همسان همسری در کنار هم توانسته‌اند ۲۱/۷ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کنند. بر اساس نتایج مشاهده شده، متغیرهای همسانی سنی، همسانی تحصیلی و همسانی سطح درآمد تأثیرگذاری بیش‌تری نسبت به سایر متغیرهای همسان همسری بر رضایت‌مندی زناشویی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، همسان‌همسری، رضایت زناشویی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سمنان، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: fathi.soroush@gmail.com

پیشگفتار

نهاد ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختاری و فرهنگی و روی هم رفته، متأثر از جایگاه جوامع در گذار از نظم سنتی به نظم مدرن دچار تغییرات چشمگیری شده است. بر این اساس، با تغییر مدل و الگوی ازدواج، تغییرات زیادی در حوزه ازدواج، مبنا و ماهیت آن ایجاد شده است. در بستر این تحولات ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و شیوه‌های مرتبط با ازدواج و همسرگزینی، انتظارات زن و شوهر از همدیگر و مناسبات بین آن‌ها به گونه‌ای محسوس تغییر یافته است.

ازدواج پیمانی مقدس برای تشکیل خانواده است که به زندگی افراد معنا می‌بخشد و آرامش و اعتدال را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. ازدواج در جامعه متغیر امروزی یک پدیده پیچیده است. دو نفر که از لحاظ جنسیت با هم متفاوت هستند، متقابلاً به وسیله نیروی مرموز غریزه و عشق به همدیگر جذب شده و به گونه کامل با هم متعهد می‌شوند تا یک واحد پویای مولد را شکل دهند (Attari et al. 2007). ازدواج از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد می‌باشد زیرا انسان وارد رابطه‌ای می‌شود که داشتن مسئولیت و تعهد در برابر همسر و فرزند، از لوازم آن است؛ رابطه‌ای که اگر همراه با یک انتخاب مناسب باشد، لذت‌بخش و روبه رشد و اگر با انتخاب نامناسب همراه باشد، زجرآور و مانع رشد و شکوفایی استعدادهای انسان می‌شود. بر این اساس، انتخاب درست همسر نقشی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در موفقیت ازدواج و سعادت خانواده ایفا می‌کند. کارشناسان امور خانواده بر این باورند که بسیاری از مشکلات و اختلالات خانوادگی ناشی از ضعف مجاری اطلاع‌رسانی، شتابزدگی و عدم انجام مطالعات دقیق در مرحله‌های گزینش، اعتماد بی‌مورد به اظهارنظرهای واسطه‌ها و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آن‌ها، بزرگ‌نمایی برخی ویژگی‌های غیرمهم، کم‌توجهی به اوصاف بایسته و در مواردی فریب‌کاری و اغفال آگاهانه می‌باشد (Bostan, 2005).

در زمان‌های متفاوت و در جوامع گوناگون انتخاب همسر به صورت‌های گوناگونی بوده است، اما هیچ‌گاه از تأثیر جامعه و شرایط اجتماعی برکنار نبوده و همواره عوامل اجتماعی، مقدار ازدواج، نوع ازدواج و بویژه معیارهای انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. ازدواج و انتخاب همسر پدیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار دارد. در واقع، نه یک علت بلکه شبکه‌ای از علت‌هاست که در حین تعامل بر یکدیگر بر امر همسرگزینی و معیارهای مورد نظر فرد تأثیر می‌گذارند (Segalen, 1992). برای استحکام ازدواج لازم است که دو طرف معیارهایی مناسب برای انتخاب همسر تعیین کرده و به بررسی ویژگی‌های فردی و تطابق آن با معیارهای خود بپردازند. بیش‌ترین مشکلاتی که در زندگی خانوادگی وجود می‌آید به خاطر انتخاب نامناسب همسر و عدم تناسب در ازدواج است، هم‌چنین، نداشتن معیارهای درست و اهمیت ندادن به خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی همسر، از علل عمده طلاق بشمار می‌رود (Zinhari, 1994).

دیدگاه‌های متعددی در مورد معیارهای انتخاب همسر از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها مطرح شده، نظریه همسان همسری است بر اساس نظریه همسان‌همسری، انسان‌ها در ازدواج در پی فردی هستند که صفات و ویژگی‌های همسان داشته باشند، چون پیش فرض‌شان این است که هر چه تجارب و دستاوردهای‌شان به هم نزدیک‌تر باشد، آسان‌تر می‌توانند اندیشه‌ها، احساسات و جهان‌بینی همدیگر را دریابند. از سوی دیگر، توجه به اهمیت و جایگاه خانواده در جامعه و افزایش آمار طلاق و خشونت‌های خانگی و ناسازگاری بین زوجین ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر رضایت مندی زناشویی را آشکار می‌سازد. رضایت‌مندی از زندگی زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. ازدواج با هر هدفی که انجام شده باشد، رضایت از آن و رضایت از زندگی زناشویی در کیفیت و دوام و بقای آن اثر انکارناپذیری دارد. هنگامی که زن و شوهر از ازدواج خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و زوجین می‌توانند با مسایل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی افزون بر عوامل مهمی چون ویژگی‌های شخصیتی، سبک زندگی، عوامل شناختی و ... به عوامل عینی مهم‌تری چون همسان‌همسری و چگونگی انتخاب همسر نیز که می‌تواند بر رضایت زوجین از زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد، توجه شود. پژوهش‌ها نشان داده اگر زوج‌هایی که پیش زمینه‌ای مشابه دارند باهم ازدواج کنند، سازگاری در ازدواج بیشتر می‌شود زیرا ازدواج به معنای ایجاد و بنای یک روش زندگی مشترک می‌باشد. در نتیجه رضایت از زندگی زناشویی افزایش می‌یابد. بنابراین، باتوجه به این‌که یکی از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی افراد، الگوهای شکل‌گیری ازدواج و ابعاد آن می‌باشد، در این مطالعه به بررسی الگوی همسان همسری در بین زوجین شهر تهران و تأثیر آن بر مقدار رضایت زناشویی پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

ابتدا پژوهش‌های انجام شده داخلی را مرور کرده و سپس نگاهی مختصر به بررسی‌های انجام شده خارجی می‌کنیم:

الف) پژوهش‌های انجام شده داخلی

زارع و صفیاری جعفرآباد (Zare & Safiari Jafarabad, 2016) از مطالعه خود نتیجه‌گیری کردند که مقدار رضایت از زندگی زناشویی با مقدار عشق و علاقه، طول مدت زندگی زناشویی، اختلاف سنی زوجین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مقدار تحصیلات زوجین رابطه معنادار دارد، یافته‌های پژوهش آن‌ها، وجود رابطه معنادار بین رضایت از زندگی زناشویی و تحصیلات همسان زوجین و مقدار درآمد خانواده را تأیید نکرد. قائمی زاده و بخشی نظر (Ghaemizadeh &

Bakhshinazar, 2016) در بررسی خود نشان دادند که از مجموع ۳۴۲ خانوار نمونه مورد بررسی مقدار همسان همسری طبقاتی در حدود ۱۶ درصد می‌باشد و ۸۴ درصد خانوارها از راه ازدواج دچار ارتقا اجتماعی شده‌اند. سید نژاد و همکاران (Sydnzhad et al. 2015) از پژوهش خود دریافتند که بین فشارهای هیجانی، درجه رعایت همسان همسری، نقش دیگران مهم، رعایت همخوانی عادت‌واره‌ها در انتخاب همسر و اهمیت پاداش‌های احتمالی ناشی از انتخاب همسر با رضایت از زندگی زناشویی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه شهید باهنر کرمان رابطه‌ای معنا دار وجود دارد. فیض آبادی (Feyza badi, 2015) در بررسی خود نشان داد که زنان در آرمان‌های خود تمایل به همسان همسری تحصیلی و شخصیتی و ناهمسان همسری سنی و منزلت شغلی بوده‌اند، ولی در واقعیت، آرمان آن‌ها صرفاً در زمینه ویژگی‌های شخصیتی محقق شده است. هاشمی و همکاران (Hashemi et al. 2015) در بررسی خود دریافتند که حدود ۹۰ درصد زوجین در خصوصیات ظاهری، ۸۹ درصد از نظر ویژگی‌های روانی-عاطفی، ۹۳ درصد در خصوصیات شخصیتی، ۶۸ درصد از نظر خصوصیات طبقاتی و ۸۸ درصد از نظر مذهبی از الگوهای همسان همسری تبعیت می‌کنند در ایران گروه‌های گوناگون برای ازدواج کسانی را انتخاب می‌کنند که از نظر خصوصیات ظاهری، روانی-عاطفی، شخصیتی، طبقاتی و مذهبی شباهت بیشتری با آنها دارند. سبحانی و همکاران (Sahabi et al, 2014) از مطالعه خود دریافتند دانشجویانی که الگوی ازدواج زود هنگام و الگوی همسان همسری زبانی، مذهبی و مکانی را تجربه کرده‌اند، سطح رضایت زناشویی بالاتری داشته‌اند. شفیعی ماسوله (Shafiee village, 2014) در پایان نامه خود عنوان کرد که شاهد افزایش در روند همسان همسری سنی، شغلی و به گونه تقریبی جغرافیایی و کاهش اندک همسان همسری تحصیلی در شهر یزد بوده است. عنایت و همکاران (Enayat et al. 2014) از بررسی خود نتیجه گرفتند که میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پابندی دینی، تأثیر پذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. سالاری (Salari, 2013) در پایان نامه خود نشان داد که بین نمره کل متغیر همسان همسری و نمره کل تعارضات زناشویی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. فاتحی دهقانی و نظری (Fatehi & Nazari, 2011) در تحلیل جامعه شناختی خود نشان دادند که وجود تفاوت سنی بسیار زیاد میان زنان و مردان باعث کاهش مقدار رضایت از زندگی زناشویی ایشان می‌شود، اما این ارتباط و همبستگی در میان زنان شدیدتر از مردان می‌باشد. هم‌چنین، بین تفاوت سطح تحصیلات زنان با همسران‌شان و مقدار رضایت از زندگی زناشویی ایشان رابطه معناداری منفی وجود دارد، ولی در مورد مردان این رابطه معنادار نیست. جدیری و همکاران (Jadiri et al. 2010) از بررسی خود دریافتند که بین تحصیلات و رضامندی زناشویی رابطه معناداری وجود نداشته، اما بین

طول مدت ازدواج و تفاوت سن زوجین و رضامندی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. بهاری (Bahari, 2008) از بررسی خود به این نتیجه رسید که بین میانگین مقدار رضایت زناشویی در زوجین ازدواج‌های دانشجویی یا غیردانشجویی، در زنان و مردان، در زوجین هم‌زبان یا غیر هم‌زبان و در سطوح درآمد گوناگون تفاوتی معنادار وجود ندارد، اما میانگین رضایت زناشویی زوجین غیر هم‌رشته، زوجین غیر علوم انسانی، زوجین غیر هم پایه تحصیلی و زوجین دارای فاصله سنی دوتا چهار سال بیش از زوجین هم رشته، علوم انسانی، هم پایه تحصیلی و بیش از پنج سال فاصله سنی می‌باشد. محمودیان (Mahmoudian, 2007) از بررسی خود در می‌یابد که فاصله سنی زوجین به گونه مستقیم با خطر جدایی زوجین و انحلال خانواده در ارتباط است. این فاصله هم‌چنین، بر روابط زوجین تأثیرگذار است، به این معنی که ثبات رابطه زناشویی، مقدار رضایت از ازدواج، تصمیم‌گیری در مورد اندازه خانواده و استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری با توجه به اندازه فاصله سنی زوجین تغییر می‌کنند. صیادپور (Sayyadpour, 2005) از پژوهش خود نتیجه‌گیری کرد که جنس، سال‌های زندگی مشترک، سن همسر و اختلاف سنی با همسر بر مقدار رضایت از زندگی زناشویی مؤثرند. صدق‌آمیز (Sedghamiz, 1998) در پایان نامه خود نشان داد، تفاوت سنی زن و شوهر به همراه برخی دیگر از عوامل جمعیت‌شناختی مانند تحصیلات زن و مرد، منزلت شغلی و تعداد فرزندان بارضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد.

ب) پژوهش‌های انجام شده خارجی

وندورف و همکاران (Wendorf et al. 2011) نشان دادند که رابطه متغیرهای همسانی پایگاه اجتماعی-اقتصادی، همسانی سن در زمان ازدواج، همسانی مذهبی، همسانی تحصیلات و طول مدت ازدواج زوجین با مقدار رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی معنا دار است. روزن-گرانندن و همکاران (Rosen-Grandon et al. 2004) به این نتیجه رسیدند که مقدار عشق و علاقه زوجین به یکدیگر، ارزش‌های مشترک، طول مدت ازدواج، تعهد، وفاداری و احترام به روابط زناشویی، حمایت و پشتیبانی زوجین از همدیگر، ایمان و باورهای مذهبی محکم زوجین با مقدار رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد. ویجنتیمالا و همکاران (Vaijayanthimala et al. 2004) نشان دادند که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن ازدواج، مذهب، تحصیلات و طول مدت ازدواج زوجین با مقدار رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. ویسفلد و همکاران (Weisfeld 1992, et al.) در باب مقدار رضایت از زندگی زناشویی نتیجه گرفتند که همگونی فرهنگی، روش جامعه‌پذیری جنسیتی، چگونگی توزیع قدرت و ساختار خانواده زوجین و جذابیت زن با مقدار رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه همسان همسری: یکی از اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در مورد انتخاب همسر، نظریه همسان‌همسری است. همسان همسری به گونه معمول، به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره دارد (Birkelund & Heldal, 2003). این نظریه استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو فرد نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد. به گونه معمول، با توجه به انواع مشخصات، افراد همسان با یکدیگر ازدواج می‌کنند (Goode, 1974). به بیان دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه نارضایتی زناشویی و کشمکش‌های خانوادگی است. به باور هیل افراد مایلند همسری برگزینند که بیش‌تر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمال زیاد زوجین دچار نارضایتی، ناسازگاری و درنهایت جدایی می‌شوند. باورمن می‌گوید: "انسان، دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. شنگ و یامامورا بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کم‌تر است. روی هم رفته، هر قدر درجه همگونی همسران بیش‌تر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است. همسان‌خواهی از راه قواعد درون همسری که درمقابل برون همسری قرار گرفته، حمایت می‌شود. درون همسری یعنی ازدواج درون گروه، مثل گروه تشکیل دهنده یک مذهب، یک طبقه و... در برون همسری در عوض باید با افراد خارج از گروه ازدواج کرد (Saroukhani, 2014). همسان همسری، مبتنی بر وابستگی گروهی می‌تواند به صورت‌های گوناگونی تعیین شود؛ به وسیله زمینه اجتماعی، گروه نژادی، گروه دینی، پراکندگی منطقه‌ای، جمعیت‌شناختی یا اجتماعی، به لحاظ پیشرفت تحصیلی، از vhi گروه منزلتی یا طبقه اجتماعی کنونی (Birkelund & Heldal, 2003). در زیر به بررسی عمیق‌تر برخی جنبه‌های غالب همسان همسری که در درون یک گروه رخ می‌دهد، می‌پردازیم.

همسان همسری از دیدگاه جغرافیایی: از مهم‌ترین عوامل مؤثر برگزینش همسر، عامل جغرافیایی است. شرط گزینش، وجود و تحقق امکانات دیداری است که در چارچوب جغرافیا صورت می‌بندد (Saroukhani, 2014). بررسی‌های انجام شده در گذشته ممالک متحده آمریکا نشان می‌دهد، معمولاً اشخاصی که از جهت مکانی به هم نزدیک‌ترند بیشتر باهم ازدواج می‌کنند. قربت، معرف تشابه طبقاتی و عامل بسیار مؤثری در توسعه روابط اجتماعی است. اهمیت اجتماعی آن در این است که موجب کم شدن و یا ازدیاد تصادم‌های اجتماعی و پیش‌بینی شده بین آشنایان و غریبه‌ها می‌شود و بدین ترتیب موقعیت‌ها را برای کنش‌های متقابل و فعل و انفعالات اجتماعی

متغیر می‌سازد. اگر مردم مشخصاتی دارند که باعث می‌شود یکدیگر را جلب کنند قرابت این امکان را زیاده‌تر می‌کند. قسمت قابل ملاحظه‌ای از کنش‌های متقابل اجتماعی نتیجه همین عامل مکانی است (Goode, 1974).

باید به یاد داشت که عامل جغرافیایی به تنهایی کارگر نیست، بلکه با عناصر دیگری که جزئی از نظام حیات بشری هستند، تلفیق و ترکیب می‌شود. از این رو هر قدر عامل مکان دارای اهمیت باشد باز یگانه عامل مؤثر در امر انتخاب نیست. بلکه باید به ضرورت‌هایی پرداخت که در مجموع باعث می‌شوند دو فرد با یکدیگر برخورد کنند، یکدیگر را دوست بدارند و با هم پیمان زناشویی ببندند (Saroukhani, 2014).

همسان همسری بر مبنای ویژگی‌های جسمانی: ویژگی‌های جسمانی اعم از نژاد یا سن دارای اهمیتی ویژه در گزینش همسر است. درباره تأثیری که همسانی افراد از نظر قد، رنگ مو و یا وزن بر امر انتخاب همسر می‌تواند داشته باشد، دشوار است که در مراحل پژوهش فرضیه‌ای بیان کنیم (Saroukhani, 2014). در زمینه زیبایی و تناسب قد و هیکل زوجها نظرات گوناگونی وجود دارد. روی هم رفته، نمی‌توان گفت که معیار زیبایی برای هر کس چقدر می‌باشد و چه چیزی از نظر او زیباست و یا عکس آن، اما باید گفت که زیبایی برای زن و مرد یک امتیاز است و در شیرینی و سعادت و گاهی هم بدبختی زندگی زناشویی تأثیر دارد (Ranjbar, 2001).

سن نیز در زمره عوامل مؤثر برگزینش همسر است. آلن ژیرار می‌نویسد: "گاهی‌های جمعیت شناسانه درباره سن همسران به هنگام زناشویی آموزنده است و می‌دانیم که بیش‌تر اوقات افرادی با هم پیوند زناشویی می‌بندند (با اندک تفاوت در مورد زنان که در سن کم‌تری ازدواج می‌کنند) که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند". گذشته از هماهنگی و شباهتی که اشخاص دم بخت را به سوی یکدیگر سوق می‌دهد و نیز گذشته از تحولاتی که در تفاوت سنی همسران بر حسب گروه سنی یا بر حسب منزلت اجتماعی - اقتصادی ایشان ظاهر می‌شود بسیاری از دانشمندان با در نظر گرفتن سعادت زناشویی این پرسش را پیش نهاده‌اند که آیا جدایی سنی بسیار میان همسران موجب تغییری در نحوه اندیشه و کردار و در نتیجه ایجاد دشواری ویژه‌ای در راه خرسندی زناشویی نخواهد شد؟ به گفته کارلسون، چون انتظارات شیوه نگرش اشخاص در سنین گوناگون متفاوت است و افرادی که دارای سن متفاوت هستند، در فرهنگ و اندیشه ایشان نیز تفاوت وجود دارد، لذا تفاوت گسترده سنی با خود تفاوت‌های وسیع فرهنگ و جهان‌بینی را به همراه خواهد آورد و بر بقای زوجیت و سعادت زناشویی تأثیر خواهد گذارد (Saroukhani, 2014).

همسان همسری از دیدگاه اجتماعی: انکار وجود گروه‌های اجتماعی حتی در جامعه‌های صنعتی و مردمسالار و آزادخواه روزگار ما نشدنی است، ولی چهره‌ای که امروز این گروه‌بندی‌ها و دسته‌ها به خود می‌گیرند با چهره‌ای که در جامعه‌های گذشته داشته‌اند، تفاوت دارد. باتوجه به وجود گروه‌های

اجتماعی کمابیش بسته، می‌توان گفت که باید به عواملی چون نزدیکی محل اقامت، خصوصیت جسمانی و سن، همگونی منزلت اجتماعی همسران را نیز بیفزاییم. در دنیای ما کنترل‌های اجتماعی حافظ مرزهای گروه‌های اجتماعی و جایگزین کنترل‌های قانونی گردیده است که در گذشته مورد تصویب بوده است. ماروین تأکید می‌کند که: «تعداد ازدواج‌هایی که در آمریکا در درون گروه‌های اجتماعی انجام گرفته ۲/۸ بار بیش‌تر از ازدواج‌هایی است که به گونه تصادفی انجام شده‌اند.» اگر این درست است که هر قدر افراد در پلکان اجتماعی بالاتر روند، تأثیر عوامل جغرافیایی و همجواری بر آن‌ها کاهش می‌یابد، این نیز هست که آنان گرایش زیادتری به ازدواج در داخل گروه خاص خودشان نشان می‌دهند. گذشته از گرایش افراد به انتخاب همسری که از گروه اجتماعی خود آنها باشد، اگر این پدیده را از دیدگاهی دیگر بنگریم، می‌توان گفت ازدواج کسانی که ریشه اجتماعی همگونی ندارند، کم‌دوام‌تر و آسیب‌پذیرتر است (Saroukhani, 2014).

همسان همسری تحصیلی: تحصیل نیز همه جا به عنوان معیاری در گزینش همسر مطرح می‌باشد و گزینش انسانها به گزینش همسری مشابه از نظر تحصیلی به چشم می‌خورد (Saroukhani, 2014). سطح تحصیلات از عوامل مهم تشکیل دهنده شخصیت و بویژه در ایران تعیین کننده وجهه اجتماعی است (Hosseini Birjandi, 2002). حتی در جوامعی که در آن تحرک اجتماعی شدیدی وجود دارد و مهاجرت‌های حرفه‌ای پیوسته رو به فزونی است، خاستگاه اجتماعی افراد همچنان مقدار و نوع تحصیلات و امکان ادامه آن را مقید و مشروط می‌سازد. در نتیجه، همگونی حرفه‌ای همسران مستلزم همتایی و تطابق سطح تحصیلات آن‌هاست. همگونی زوجین از نظر تحصیلی در بیش‌تر موارد (در جوامع بسته) به معنای همگونی طبقاتی نیز هست. در چنین جوامعی سطح تحصیل و سطح طبقاتی در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند. تحصیلات به گونه معمول همچون شاخصی در نوع فرهنگ، اندیشه و جهان بینی انسان هاست، پس سنخیت تحصیلی به معنای تشابه دیدگاهها نیز می‌باشد (Saroukhani, 2014).

فرضیه‌ها

۱. بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران همسان سن و ناهمسان سن تفاوت معنادار وجود دارد.
۲. بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران همسان تحصیل و ناهمسان تحصیل تفاوت معنادار وجود دارد.
۳. بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران با شغل همسان و ناهمسان تفاوت معنادار وجود دارد.

۴. بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران با سطح درآمد همسان و ناهمسان تفاوت معنادار وجود دارد.
۵. بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران با قومیت همسان و ناهمسان تفاوت معنادار وجود دارد.
۶. بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران با رشته تحصیلی همسان و ناهمسان تفاوت معنادار وجود دارد.
۷. بین همسان همسری با مقدار رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع مطالعات کمی و کاربردی است. روش انجام پژوهش پیمایشی است که امکان دستیابی به نتایج تعمیم پذیر به کل جامعه آماری را از راه مطالعه نمونه‌ای معرف فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، چون نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌تواند مورد استفاده جامعه، جوانان، خانواده‌ها، مشاوران و برنامه ریزان قرار گیرد، از این رو، از نظر هدف، کاربردی بشمار می‌رود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه افراد متأهل ساکن در مناطق ۳ و ۲۰ شهر تهران می‌باشد. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه معادل ۳۸۴ نفر برآورد گردید، اما نظر به احتمال ریزش و برای جلوگیری از مخدوش یا ناقص بودن احتمالی برخی از پرسش‌نامه‌ها، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود که یک نوع از انواع نمونه‌گیری احتمالی است. پرسش‌نامه این پژوهش شامل دو بخش است: الف) پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این پرسش‌نامه جهت کسب داده‌های فردی و بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها، هم‌چنین، بررسی همسان سنی، همسان تحصیلی، همسان قومیتی، همسان شغلی، همسانی در سطح درآمد و همسانی در رشته تحصیلی بین همسران (شامل: جنس، سن، سن همسر، سن ازدواج، تفاوت سنی با همسر، منطقه محل سکونت، محل تولد خود و همسر، قومیت خود و همسر، تحصیلات خود و همسر، رشته تحصیلی خود و همسر، شغل خود و همسر و سطح درآمد خود و همسر) می‌باشد. ب) پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ: این پرسش‌نامه به وسیله اولسون و همکاران (۱۹۸۹) تهیه شده است. هدف آن ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت‌وپربراری رابطه‌ی زناشویی می‌باشد و به عنوان یک ابزار معتبر در پژوهشات متعدد برای بررسی رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش از فرم ۴۷ پرسشی پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است. ضریب همبستگی پرسش‌نامه انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های

رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه روایی سازه آن است. تمامی خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه انریچ، زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که این پرسش‌نامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (Sanai Zaker, 2009). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۱ محاسبه شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

از تعداد ۴۰۰ نفر کل پاسخگویان، با توجه به جمعیت متأهل ساکن در دو منطقه، ۵۰٪ ساکن منطقه ۳ و ۵۰٪ ساکن منطقه ۲۰ شهر تهران می‌باشند. از هر منطقه هم‌نیمی از پاسخگویان زن و نیمی مرد می‌باشند. میانگین سن پاسخگویان ۴۳/۵۶ و میانگین سن همسر پاسخگویان ۴۳/۵۱ سال می‌باشد. میانگین سن ازدواج پاسخگویان ۲۵/۸ و میانگین تفاوت سن همسران ۴/۶۵ سال می‌باشد. اگر تفاوت سنی زیر سه سال را همسان سن در نظر بگیریم می‌توان گفت که ۳۲/۸ درصد از همسران همسان سنی داشته‌اند. محل تولد ۶۹/۳ درصد زوجین یکی می‌باشد. قومیت ۷۵ درصد پاسخگویان فارس، ۱۶/۵ درصد ترک، ۳/۳ درصد لر، ۲/۳ درصد کرد، ۲/۳ درصد گیلگ و ۸/۰ درصد عرب می‌باشد. ۸۲/۸ درصد از پاسخگویان قومیتی همانند قومیت همسر خود داشته‌اند. بیش‌ترین فراوانی سطح تحصیلات پاسخگویان دیپلم با ۳۳/۳ درصد و کم‌ترین فراوانی دکترا با ۶ درصد می‌باشد. ۵۲/۸ درصد از پاسخگویان سطح تحصیلاتی دقیقاً همانند سطح تحصیلات همسر خود داشته‌اند و اگر سطوح تحصیلی نزدیک به هم را نیز همسان تحصیل در نظر بگیریم، آنگاه ۸۰/۸ درصد از زوجین، همسان تحصیل می‌باشند. پاسخگویان با ۳۸/۵ درصد و همسر پاسخگویان با ۳۷ درصد، بیش‌تر در رشته علوم انسانی و ادبیات به تحصیل پرداخته‌اند. ۴۱/۳ درصد از پاسخگویان رشته تحصیلی همانند رشته تحصیلی همسر خود داشته‌اند. بیش‌ترین فراوانی شغلی پاسخگویان کارمند امور اداری و دفتری با ۲۲/۳ درصد و کم‌ترین فراوانی کارگر با ۱ درصد است و ۱۵/۵ درصد از پاسخگویان شغلی همانند شغل همسر خود داشته‌اند. بیش‌تر پاسخگویان با ۵۶/۳ درصد از سطح درآمد متوسطی برخوردارند و تنها ۰/۵ درصد پاسخگویان از سطح درآمد خیلی زیادی برخوردار می‌باشند. ۳۶/۳ درصد از همسران همسانی در سطح درآمد داشته‌اند. میانگین رضایت از زندگی زناشویی پاسخگویان ۱۶۵/۱۵ می‌باشد. کم‌ترین نمره رضایت از زندگی زناشویی ۷۱ و بیش‌ترین نمره ۲۳۵ است. این میانگین نشان‌دهنده رضایت‌مندی زناشویی پاسخگویان می‌باشد. هم‌چنین، در بین مؤلفه‌های رضایت زناشویی، دو مؤلفه حل تعارض و فعالیت‌های اوقات فراغت پایین‌ترین سطح رضایت را به خود اختصاص داده و دو مؤلفه جهت‌گیری مذهبی و اعتقادی و فرزندپروری بالاترین سطح رضایت را به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های استنباطی

بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران همسان سن و ناهمسان سن تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۱- آزمون t با دو نمونه مستقل همسان سنی و رضایت زناشویی.

همسان سنی	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار
ناهمسانی	۲۶۹	۱۶۰/۷۸۰۷	۳۱/۵۰۱۱۳	۱/۹۲۰۶۶
همسانی	۱۳۱	۱۷۴/۱۴۵۰	۳۲/۱۱۷۸۴	۲/۸۰۶۱۵

آزمون لیون		آزمون برابری میانگین t-test for Equality of Means				
مقدار F	سطح معنی داری	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی داری	واریانس معیار	انحراف کمترین
۰/۳۲۰	۰/۵۷۲	-۳/۹۵۷	۳۹۸	۰/۰۰۰	-۱۳/۳۶۴۳۷	۳/۳۷۷۷۸
۰/۳۲۰	۰/۵۷۲	-۳/۹۵۷	۳۹۸	۰/۰۰۰	-۱۳/۳۶۴۳۷	۳/۳۷۷۷۸
۰/۳۲۰	۰/۵۷۲	-۳/۹۵۷	۳۹۸	۰/۰۰۰	-۱۳/۳۶۴۳۷	۳/۳۷۷۷۸

با توجه به جدول بالا و مقدار $Sig > 0/05$ در آزمون لون نتیجه می‌گیریم که واریانس‌ها برابرند. بنابراین، با توجه به نتایج سطر نخست جدول خروجی و این که $Sig < 0/05$ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت بین میانگین‌ها در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار است. یعنی، بین میانگین‌های رضایت زناشویی افراد همسان و ناهمسان از نظر سنی، تفاوت معنادار است و زوجینی که همسانی سنی دارند، رضایت زناشویی بیش‌تری دارند.

بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران همسان تحصیل و ناهمسان تحصیل تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۲- آزمون t با دو نمونه مستقل همسان تحصیلی و رضایت زناشویی.

همسان تحصیلی	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار
ناهمسانی	۱۸۹	۱۵۰/۹۶۳۰	۳۲/۷۰۲۷۸	۲/۳۷۸۷۸
همسانی	۲۱۱	۱۶۶/۴۳۶۰	۳۱/۹۵۸۷۴	۲/۲۰۰۱۳

آزمون لیون		آزمون برابری میانگین t-test for Equality of Means				
مقدار F	سطح معنی داری	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی داری	واریانس معیار	انحراف کمترین
۰/۰۴۰	۰/۸۴۲	۰/۴۷۲	۳۹۸	۰/۰۰۳	۱/۵۲۶۹۴	۳/۲۳۶۱۳
۰/۰۴۰	۰/۸۴۲	۰/۴۷۲	۳۹۸	۰/۰۰۳	۱/۵۲۶۹۴	۳/۲۳۶۱۳
۰/۰۴۰	۰/۸۴۲	۰/۴۷۲	۳۹۸	۰/۰۰۳	۱/۵۲۶۹۴	۳/۲۳۶۱۳

با توجه به جدول بالا و مقدار $Sig > 0/05$ در آزمون لون نتیجه می‌گیریم که واریانس‌ها برابرند. بنابراین، با توجه به نتایج سطر نخست جدول خروجی و این که $Sig < 0/05$ است، نتیجه می‌گیریم

که تفاوت بین میانگین‌ها در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار است، یعنی تفاوت بین رضایت زناشویی زوجین همسان و ناهمسان از نظر سطح تحصیلی، معنادار می‌باشد و زوجین دارای تحصیلات همسان از رضایت زناشویی بیش‌تری برخوردارند.

بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران با شغل همسان و ناهمسان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۳- آزمون t با دو نمونه مستقل همسان شغلی و رضایت زناشویی.

همسان شغلی	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار
ناهمسانی	۳۳۸	۱۶۳/۴۷۳۴	۳۲/۶۳۲۲۱	۱/۷۷۴۹۶
همسانی	۶۲	۱۷۴/۳۳۸۷	۲۸/۸۳۹۸۳	۳/۶۶۲۶۶

آزمون لیون					t-test for Equality of Means				
F مقدار	سطح معنی داری	T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری	واریانس	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪	کم‌ترین	بیش‌ترین
۲/۰۸۰	۰/۱۵۰	-۲/۴۵۲	۳۹۸	۰/۰۱۵	-۱۰/۸۶۵۳۴	۴/۳۳۲۱۲	۱۹/۵۷۸۶۲	-۲/۱۵۲۰۵	رضایت برابری واریانس
-۲/۶۷۰	۹۲/۰۹۶	۰/۰۰۹	-۱۰/۸۶۵۳۴	۰/۰۰۹	۴/۰۷۰۰۸	۱۸/۹۴۸۷۶	-۲/۷۸۱۹۱	زناشویی نابرابری واریانس	

با توجه به جدول بالا و مقدار $\text{Sig} > 0/05$ در آزمون لون نتیجه می‌گیریم که واریانس‌ها برابرند. بنابراین، با توجه به نتایج سطر نخست جدول خروجی و این که $\text{Sig} < 0/05$ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت بین میانگین‌ها در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار است، یعنی بین میانگین‌های رضایت زناشویی افراد همسان و ناهمسان از نظر شغلی، تفاوت معنادار است و زوجینی که همسانی شغلی دارند، رضایت زناشویی بیش‌تری دارند.

بین مقدار رضایت از زندگی زناشویی همسران با سطح درآمد همسان و ناهمسان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴- آزمون t با دو نمونه مستقل همسانی سطح درآمد و رضایت زناشویی.

همسانی سطح درآمد	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار
ناهمسانی	۲۵۵	۱۶۱/۱۵۲۹	۳۱/۴۶۳۵۸	۱/۹۷۰۲۳
همسانی	۱۴۵	۱۷۲/۳۰۰۰	۳۲/۶۰۱۲۵	۲/۷۰۷۳۹

آزمون لیون					t-test for Equality of Means				
F مقدار	سطح معنی داری	T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری	واریانس	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪	کم‌ترین	بیش‌ترین
۰/۱۱۶	۰/۷۳۴	-۳/۳۳۲	۳۹۸	۰/۰۰۱	-۱۱/۰۴۷۰۶	۳/۳۱۵۸۳	-۱۷/۵۶۵۸۰	-۴/۵۲۸۳۲	رضایت برابری واریانس
-۳/۲۹۹	۲۹۰/۶۹۸	۰/۰۰۱	-۱۱/۰۴۷۰۶	۰/۰۰۱	۳/۳۴۸۴۵	۱۷/۶۳۷۳۴	-۴/۴۵۶۷۸	زناشویی نابرابری واریانس	

با توجه به جدول بالا و مقدار $\text{Sig} > 0/05$ در آزمون لون نتیجه می‌گیریم که واریانس‌ها برابرند. بنابراین، با توجه به نتایج سطر نخست جدول خروجی و این که $\text{Sig} < 0/05$ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت بین میانگین‌ها در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) معنادار است. یعنی بین میانگین‌های رضایت زناشویی افراد همسان و ناهمسان از نظر درآمد، تفاوت معنادار است و زوجینی که همسانی درآمدی دارند، رضایت زناشویی بیش‌تری دارند.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

بین همسان همسری با مقدار رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

هدف از انجام رگرسیون اندازه‌گیری واقعی تاثیر هر کدام از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می‌باشد. روش بکار رفته Enter می‌باشد.

جدول ۵- ضریب همبستگی، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و انحراف استاندارد برآورده

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰/۴۶۵ ^a	۰/۲۱۷	۰/۲۰۶	۳۱/۳۶۶۹۴

در جدول بالا ضریب همبستگی، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و انحراف استاندارد برآورد نمایش داده شده است.

جدول ۶- آنووا ANOVAa تحلیل واریانس.

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F مقدار	سطح معنی‌داری
۱	۲۹۱۱۲/۲۰۳	۶	۴۸۵۲/۰۳۴	۴/۹۳۲	۰/۰۰۰
	۳۸۶۶۶/۸۷۵	۳۹۳	۹۸۳/۸۸۵		
کل	۴۱۵۷۷۹/۰۷۸	۳۹۹			

در جدول بالا داده‌های تحلیل واریانس برای مدل نشان داده شده است. با توجه به $\text{Sig} < 0/05$ نتیجه‌گیری می‌کنیم که متغیرهای مستقل حاضر بر متغیر رضایت زناشویی مؤثر می‌باشند و مدل رگرسیونی معنا دار است.

جدول ۷- تحلیل رگرسیونی^a Coefficients

سطح معنی‌داری	مقدار T	Standardized	Unstandardized		مدل
		Coefficients مقدار Beta	Std. Error	B مقدار B	
۰/۰۰۰	۱۹۹۷ ۳۳		۴/۷۷۵	۱۶۲/۳۴۱	مقدار ثابت
					همسان سنی
۰/۰۰۱	۰/۷۸۹	۰/۱۷۱	۳/۴۷۸	۱۱/۷۷۱	همسان قومیتی
۰/۴۳۱	-	-۰/۰۳۹	۴/۲۳۰	-۳/۳۳۶	همسان تحصیلی
۰/۰۰۷	۳/۸۸۳	۰/۱۸۲	۳/۳۱۹	۱۲/۹۳۹	همسانی رشته
۰/۰۵۴	۱/۹۳۰	-۰/۱۰۱	۳/۴۱۱	-۶/۵۸۲	تحصیلی
۰/۰۸۶	-	۰/۰۹۰	۴/۶۲۹	۷/۹۸۰	همسان شغلی
۰/۰۳۴	۱/۷۲۴	۰/۱۱۱	۳/۵۰۲	۷/۴۶۴	همسانی سطح
	۲/۱۳۱				درآمد

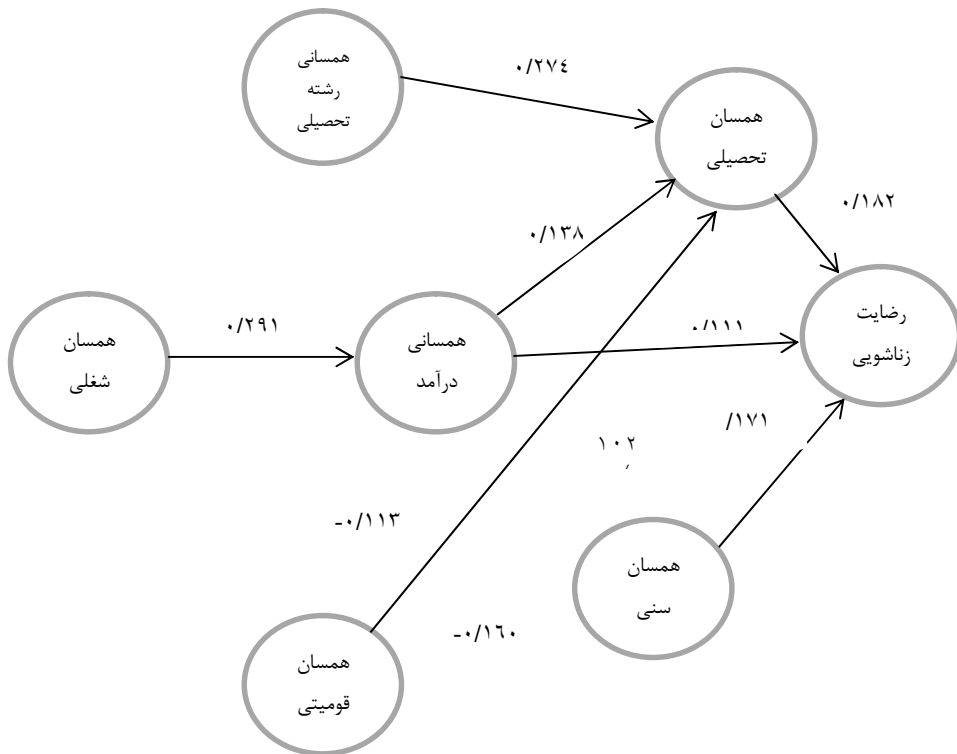
a. Dependent Variable: رضایت زناشویی

نتایج جدول تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که همسانی سنی، قومیتی، تحصیلی، رشته تحصیلی، شغلی و سطح درآمدی همسران در کنار هم توانسته‌اند ۲۱/۷ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کنند. مقدار $\text{sig} < 0/05$ در جدول ANOVA نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانایی تبیین متغیر رضایت زناشویی را دارند، به بیان دیگر، متغیرهای همسان همسری بر متغیر رضایت زناشویی مؤثر هستند. مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۶۵) نیز نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای ذکر شده در کنار هم بر رضایت زناشویی تأثیری مثبت و مستقیم بوده است. با این حال، ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که تأثیر متغیرها در کنار هم سبب شده است تا تنها تأثیر همسانی سنی، همسانی تحصیلی و همسانی سطح درآمد معنادار شود. مقدار تأثیر این سه متغیر به ترتیب برابر با ۰/۱۷۱، ۰/۱۸۲ و ۰/۱۱۱ انحراف معیار می‌باشد. به این ترتیب، مشخص می‌شود که همسان سنی، همسان تحصیلی و همسانی در سطح درآمد در کنار سایر متغیرها از بار بیش‌تری برخوردار می‌باشند.

تحلیل مسیر

مدل مسیر دیاگرامی است که متغیرهای مستقل، میانجی یا واسطه‌ای و وابسته را به هم مرتبط می‌کند. در ترسیم نمودار مسیر، متغیرهای علی مقدم در سمت چپ و متغیرهای آخر در سمت راست قرار می‌گیرند. ضرایب مسیر بر اساس ضریب استاندارد شده رگرسیون محاسبه می‌شود. یک متغیر

به صورت تابعی از دیگر متغیرها فرض می‌شود و مدل رگرسیونی آن ترسیم می‌گردد. برای برآوردهای هر یک از مسیرهای مشخص شده، ضرایب استاندارد شده رگرسیون (یا ضرایب مسیر) محاسبه می‌شود. در اینجا از رگرسیون چندگانه هم‌زمان (Enter) استفاده شده است.



نتیجه‌گیری

انتخاب همسر و تشکیل خانواده مهم‌ترین رویداد زندگی هر فردی است که بر جریان حیات و سعادت وی تأثیر می‌گذارد. از ملاک‌های گزینش همسر که به آن زیاد توجه و پرداخته شده است همسویی و همسانی زوجین می‌باشد. همسان همسری به معنای گزینش همسر از بین کسانی است که تشابه یا سنخیت بیشتری با فرد دارند. رضایت‌مندی از زندگی زناشویی نیز در بررسی‌های مربوط به حوزه ازدواج و خانواده مورد توجه ویژه قرار داد، چرا که کیفیت زندگی مشترک و رضایت‌مندی زناشویی بر ثبات و پایداری خانواده، سازگاری و هماهنگی بین اعضای خانواده و افزایش کارایی آنان و همچنین، بر سلامت و بهداشت جسم و روان زن و شوهر و فرزندان تأثیری

بسزا دارد. در این پژوهش به بررسی همسان همسری در بین زوجین تهرانی (ساکن در مناطق ۳ و ۲۰) و تأثیر آن بر رضایت‌مندی از زندگی زناشویی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان همسانی سنی داشته‌اند و درکل فزونی سن مردنسبت به سن زن در ازدواج مشاهده می‌شود. ۸۲/۸ درصد از پاسخگویان همسانی قومیتی داشته‌اند. ۴۱/۳ درصد از پاسخگویان رشته تحصیلی همانند، ۱۵/۵ درصد شغلی همانند و ۳۶/۳ درصد سطح درآمدی همانند سطح درآمد همسر خود داشته‌اند. هم‌چنین، ۵۲/۸ درصد از پاسخگویان سطح تحصیلاتی دقیقاً همانند سطح تحصیلات همسر خود داشته‌اند و اگر سطوح تحصیلی نزدیک به هم را نیز همسان تحصیل در نظر بگیریم، آنگاه ۸۰/۸ درصد از زوجین، همسان تحصیل بوده‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل رابطه بین همسان همسری و رضایت زناشویی نیز حاکی از این است که رابطه بین متغیرهای همسانی سن، تحصیل، شغل و سطح درآمد با رضایت از زندگی زناشویی معنادار است، اما وجود رابطه معنادار بین متغیرهای همسانی قومیتی و همسانی رشته تحصیلی با رضایت‌مندی زناشویی تأیید نشد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که متغیرهای همسان همسری در کنار هم توانسته‌اند ۲۱/۷ درصد تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کنند، تاثیر متغیرها در کنار هم سبب شده است تا تنها تاثیر همسانی سنی، همسانی تحصیلی و همسانی سطح درآمد معنا دار شود. مقدار تاثیر این سه متغیر به ترتیب برابر با ۰/۱۸۲، ۰/۱۱۱ و ۰/۱۱۱ انحراف معیار می‌باشد و همسان سنی، همسان تحصیلی و همسانی در سطح درآمد در کنار سایر متغیرها از بار بیش‌تری برخوردار می‌باشند. این نتایج با یافته‌های سیدنژاد و همکاران (Sydnzhad et al, 2015)، سحابی و همکاران (Sahabi et al, 2014)، عنایت و همکاران (Enayat et al, 2014)، محمودیان (Mahmoudian, 2007)، صیادپور (Sayyadpour, 2005)، صدق‌آمیز (Sedghamiz, 1998) و ندورف و همکاران (Wendorf et al, 2011)، ویجنتیمالا و همکاران (Vaijayanthimala et al, 2004) همسو و با برخی یافته‌های شفیع ماسوله (Shafiee village, 2014) و بهاری (Bahari, 2008) متفاوت است. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت که تفاوت سنی زیاد زوجین، تفاوت‌های وسیع فرهنگی، اجتماعی و جهان بینی را به همراه دارد. وجود فاصله سنی زیاد موجب عدم درک متقابل می‌گردد. هم‌چنین، هنگامی که فاصله سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره‌ای از زندگانی به سر می‌برند که به لحاظ توان جسمانی و فیزیولوژیکی با همسر خود تفاوت‌های عمده دارند و همه این موارد می‌تواند زمینه بروز مشکلات و نارضایتی را فراهم آورد. اختلاف سطح تحصیلات نیز باعث عدم درک صحیح طرفین از یکدیگر، تفاوت دیدگاهها و واکنش‌ها در مسائل گوناگون، ایجاد حس حقارت و کمبود و... می‌شود و تمام موارد ذکر شده در مقدار رضایت‌مندی زناشویی تأثیر دارد. از سوی دیگر، تحصیلات تعیین‌کننده جایگاه فرد در جامعه است. همسانی در سطح درآمد، به دلیل مشارکت زوجین در تأمین نیازهای

مالی خانواده، موجب رفاه اقتصادی بیشتر می‌شود و در نتیجه کاهش تنیدگی و ایجاد احساس ایمنی در زوجها و نیز دسترسی بیشتر به یکسری منابع و امکانات را ایجاد می‌کند که رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. خانواده‌های دارای سطح درآمد مطلوب، به دلیل امکان فراهم آوردن شرایط محیطی و تربیتی بهتر برای خود و فرزندانشان، از آرامش روانی بیشتری برخوردارند و اعتماد به نفس بیشتری دارند. همچنین، توانایی برقراری ارتباط‌های اجتماعی در این خانواده‌ها بیشتر است و به سبب برخورداری از روابط اجتماعی گسترده‌تر، از حمایت‌های اجتماعی بیشتری نیز برخوردار و با تنیدگی‌هایی کم‌تر مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، فشارهای اقتصادی، نگرانی‌های دائمی درباره بی‌پولی و عدم هماهنگی دخل و خرج سبب کاهش رضایت‌مندی زناشویی می‌گردد. در مجموع، مشخص شد که متغیرهای همسان همسری بر رضایت زناشویی مؤثرند و توانایی تبیین این متغیر را دارند همسانی دو فرد نه تنها افراد را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را نیز استوارتر می‌کند، اگرچه همسانی به تنهایی تضمین‌کننده رضایت زوجین نیست، اما یکی از عواملی است که می‌تواند بر پایداری و استحکام خانواده و همچنین، رضایت‌مندی زوجین تأثیر داشته باشد. می‌توان گفت هرچه زوجین در زمینه‌های گوناگون با هم شبیه و همسان باشند، فرهنگ، جهان بینی و اندیشه یکسان خواهند داشت و از قدرت درک و همدلی بیشتری برخوردار خواهند بود که این درک و همدلی رضایت‌مندی از زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد.

در یک جمع بندی کلی با در نظر گرفتن تأثیر عوامل گوناگون بر رضایت زناشویی برای داشتن ازدواجی موفق و جلوگیری از سرخوردگی در زندگی زناشویی، لزوم مشاوره و آموزش‌های پیش از ازدواج و مداخله‌های روان‌شناختی پس از ازدواج مطرح می‌گردد تا فرد توانایی و آگاهی بیشتری از شناخت و چگونگی انتخاب همسر خود داشته باشد و بتواند با نگاهی دقیق و آگاهانه، همسری مناسب برای زندگی انتخاب کند. با توجه به یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد آموزش‌های پیش از ازدواج برای جوانان پیش از انتخاب همسر در زمینه همسانی در جنبه‌های گوناگون زندگی می‌تواند به گونه‌ای مؤثر رضایت‌مندی از زندگی زناشویی را افزایش دهد.

References

- Attari, Y.A., Amanollahifard, A. & Mehrabizadeh Honarmand, M. (2007). Investigate the relationship between personality traits and elements of personal, family and marital satisfaction in employees of the city government offices, educational sciences, shahid Chamran University, No. 77, autumn: 81-108.
- Bahari, S. (2008). Study of factors that affect marital satisfaction in married student. new ideas in education, no.4, autumn: 27-40.

- Birkelund, G. E., & Heldal, J. (2003). who marries whom? Educational homogamy in Norway, *Demographic Research*, 8(1): 1-30.
- Bostan, H. (2005). *Islam and Sociology of Family*. Institute of Hawzeh and University, Qom.
- Enayat, H. Najafiasl, A. Zare, S. (2014). Factors Affecting the early divorce among urban youth in Bushehr (compared two groups of people divorced or married and not divorced). *contemporary sociological research "*. No. 3. Winter:1-35.
- Fatehi Dehaghani, A. Nazari, A.M. (2011). Sociological analysis of divorce tendency in Isfahan. *Social Security Studies*. No. 12. spring: 13-54.
- Feyzabadi, L. (2015). the distinction between ideals and reality in the spouse selection process by women and the factors involved. the international Conference on humanities and behavioral studies.
- Fowers, B. J. & Olson, D. H. (1989). Enrich Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validity assessment. *Journal of Marital and Family Therapy*, 15(1): 65-79.
- Ghaemizadeh, M.S. & Bakhshinazar, Z. (2016). The Case of the City Rawansar equal partnership of the class in urban areas. the National Conference of Sociology and Social Sciences.
- Goode, W. J. (1974). *family and community*. translated by Vida Nasehi. Tehran. and firms translate and publish books.
- Hashemi, S.Z. Fooladian, M. & Fatemi Amin, Z. (2015). empirical study of the two competing theories of mating in Iran. *Iranian Cultural Research*. No. 4. winter: 157-188.
- Hosseini Birjandi, M. (2002). *Pre-marriage counseling*. Tehran. Avayeh Noor.
- Jadiri, J. Janbozorgi, M. Rasoulzadeh Tabatabaie, S.K. (2010). Investigate the relationship between marital satisfaction (based on religious criteria) education with demographic factors. duration of the marriage age at marriage. age difference. *psychology and religion*. no. 5. spring: 49-84.
- Mahmoudian, H. (2007). study of factors affecting age differences in couples. *the Population Association of Iran*. no. 1. summer: 127-140.
- Ranjbar, M.R. (2001). *Marriage without Divorce*. Tehran. Avayeh Noor.

-
- Rosen-Grandon, J. R. Mayers, J. E. & Hattie, J. A. (2004). the relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction. *Journal of Counseling and Development*, 82(1): 58-68.
 - Sahabi, Khani, J. Khani, S. & Asa'ad (2014). Marriage patterns and its relationship with marital satisfaction: Married students of Islamic Azad University in Sanandaj. *Sociology of Youth Studies*, no.12, winter: 77-112.
 - Salari, E. (2013). the relationship between male-dominated culture of equal partnership and marriage with marital conflicts among married teachers and nurses in Bandar Abbas. a Master's thesis. Department of Psychological and Educational Sciences. Islamic Azad University, Marvdasht.
 - Sanai Zaker, B. (2009). the Scales of Family Assessment and Marriage. Tehran, Besat.
 - Saroukhani, B. (2014). an introduction to sociology of family. Tehran, Soroush.
 - Sayyadpour, Z. (2005). marital satisfaction survey among students. *Developmental Psychology*, no. 2, winter: 145-157.
 - Sedghamiz, Kh. (1998). Factors affecting marital adjustment in Shiraz. Master Thesis. University of Human Sciences, Shiraz.
 - Segalen, M. (1992). the historical sociology of family, translated by Hamid Elliasi. Tehran, Nashr-e Markaz.
 - Shafiee village, S. S. (2014). Study the determinants of equal partnership couples in the city of Yazd. Master's thesis. Faculty of Social Sciences, Yazd.
 - Sydnzhad, R. Gross, S. & Shirmardi, P. (2015). marital satisfaction and social factors affecting it. the first scientific conference Psychology of social and cultural damage.
 - Vaijayanthimala, K. .B & Bharati, P. (2004). Socio- Economic heteronomy and marital satisfaction. *Journal of Human Ecology*, 15(1): 9-11.
 - Weisfeld, G. E., Russell, R.H., Weisfeld, C.C., & Wells, P. A. (1992). Correlates of satisfaction in British marriage. *Ethology and Sociobiology*, 13(2): 125-145.
 - Wendorf, C. A., Lucas, T., Imamoglu, E.O., Weisfeld, C. C., & Weisfeld, G. E. (2011). Satisfaction across three culture: Does the number of children have an impact after accounting for other marital demographics? *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42(3): 340-354.

- Zare, B. Safiari Jafarabad, H. (2016). Study of effective causes marital satisfaction among married men and women in Tehran. *women psycho-social studies*. no.1. spring & summer: 111-140.
- Zinhari, M. (1994). Family and Luxury. *Payam-e Zan*. vol.2. no.6. September.